

همایش بین‌المللی سرمایه‌گذاری ایران ۲۰۰۰

(IRAN Invest 2000 Conference)

اشاره

یکی از کوشش‌های اخیر برای ارزیابی امکانات و شناسایی ظرفیت‌های ایران از لحاظ جذب و تضمین سرمایه‌گذاری خارجی، برگزاری همایشی بود در لندن. این گردهمایی به نام «همایش بین‌المللی سرمایه‌گذاری ایران ۲۰۰۰» (IRAN Invest 2000) در اواخر سپتامبر گذشته در هتل هیلتون - پارک لین - لندن و با حضور بیش از ۲۰۰ نفر از مقامات و کارشناسان اقتصادی جهان و با شرکت نمایندگان و مدیران بیش از ۵۰ شرکت تجاری و نفتی و موسسات سرمایه‌گذاری بین‌المللی برگزار شد و به عقیده کسانی که دست‌اندرکار اینگونه امور هستند، بزرگترین همایش از نوع خود بوده است. مکتبک این همایش، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه کشورمان بود و در جریان دو روز برگزاری این

همایش، در زمینه‌های مختلف سرمایه‌گذاری‌های راهبردی در ایران، همچون معادن و فلزات، ارتباطات و خدمات مالی گفتگو و تبادل نظر شد.

ریچارد کابورن، معاون وزیر بازرگانی انگلیس یکی از مقامات انگلیسی بود که برای این اجلاس پیام فرستاد و پیش‌بینی کرد که این نشست فرصت کاملاً مطلوبی را به وجود خواهد آورد تا بتوانیم امکانات سرمایه‌گذاری در ایران را بشناسیم و اولین گام‌ها را در این راه برداریم.

در مراسم افتتاحیه این همایش، هم‌چنین، مرتضی سرمدی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در لندن سخنرانی کرد و در زمینه روابط ایران و انگلیس گفت: دو کشور ایران و انگلیس باید زمینه‌های جدیدی را برای همکاری و تجارت پیدا کنند. وی افزود: متنوع کردن زمینه‌های سستی مانند ارتباطات راه دور، صنایع

سبک و کشاورزی دارای اهمیت هستند و در قدم اول باید سرمایه‌گذاری‌هایی برای تولید محصولات بازارهای دیگر، از جمله بازار اتحادیه اروپا صورت گیرد.

یکی دیگر از مقامات ایرانی شرکت‌کننده در این همایش، مهندس علینقی خاموشی، رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران بود. وی نیز در سخنرانی خود ضمن تأکید بر کمبود سرمایه مورد نیاز برای اجرای برنامه‌های اقتصادی کشور، در مورد چشم‌اندازهای برنامه سوم توسعه گفت: قوانین بازرگانی کشور که تاکنون شرایطی بسته، دستوری و دولتی را دیکته می‌کرد، بی‌تردید با اجماع سیاست‌ها و روش‌های مندرج در برنامه سوم که به طور کلی و اصولی متفاوت از دو برنامه گذشته است، راه را برای پیوستن به سازمان جهانی تجارت هموار خواهد ساخت، زیرا این برنامه، بر

خلاف دو برنامه گذشته، به ویژه در زمینه تسهیل صادرات و واردات، اصلاح سیاست‌های پولی - مالی و به طور نمونه، رفتن به سوی تک نرخی شدن قیمت ارز و برداشتن کلیه موانع غیر تعرفه‌ای از مسیر بازرگانی خارجی کشور، می‌تواند و باید منجر به رشد و توسعه همه جانبه صادرات غیر نفت خام شود و سهم ایران در تجارت جهانی را از وضعیت غیر منطقی کنونی تغییر دهد.

بدیهی است که علاوه بر سه نفر فوق‌الذکر، مقامات و صاحب‌نظران دیگری از ایران و انگلیس هم در این همایش سخنرانی کردند که شرح آنها به تفاریق منتشر شده، اما با توجه به ارتباط موضوع، در این شماره، مشروح سخنرانی دو مقام بانکی، یعنی سرادورد جرج، رئیس بانک مرکزی انگلستان و دکتر محسن نوریخس، رئیس کل بانک مرکزی ایران را درج می‌کنیم.

من نخستین بار نوریخس را کوتاه زمانی پس از آنکه در ۱۹۹۴ به ریاست بانک مرکزی ایران رسید، دیدم. آن روزها ایران زمان دشواری را می‌گذراند. آنچه بی‌درنگ مرا تحت تأثیر قرار داد، فقط احاطه او بر مسایل مورد رویارویی‌اش نبود و این احاطه شاید تعجبی نداشت: او در آن وقت برای دومین بار بود که ریاست بانک مرکزی را بر عهده می‌گرفت. در فاصله بین اولین و دومین دوره

سخنرانی سر ادوارد جرج، رئیس بانک مرکزی انگلستان

از اینکه توانستم در این کنفرانس شرکت کنم، مشغوفم، خصوصاً خوشحالم که این سخنرانی پیش از ظهر روزی انجام می‌گیرد که در آن، محسن نوریخس، رئیس بانک مرکزی ایران نیز از سخنرانان است.



۱۹۹۹/۲۰۰۰، مازادی برابر با یک درصد تولید ناخالص داخلی پیدا کرده است. ذخایر ارزی ایران از ۱۹۹۸/۹۹ تاکنون، با کسب ۲ میلیارد دلار افزایش، به ۶ میلیارد دلار رسیده است. اگر چه تورم هنوز کاملاً بالا و در حدود ۲۰ درصد است، ولی در رشد نقدینگی نشانه‌هایی از تعدیل به چشم خورده است. سطح قروض ایران نیز در حال حاضر از سطح میانگین آن برای ممالکی که تازه دارند به جرگه اقتصادهای بازاری می‌پیوندند، پایین‌تر است. نکته‌ای که اهمیت آن شاید از تمام نکات دیگر بیشتر باشد، این پدیده دلگرم‌کننده است که مقامات ایرانی به تکیه بر این توفیق‌ها و دلخوش بودن بدان‌ها بسنده نکرده‌اند، بلکه کوشیده‌اند تا از این محیط مساعدتر اقتصادی بهره ببرند و شتاب حرکت اصلاحات را افزایش دهند. به این ترتیب، چشم‌انداز اقتصاد کلان در ایران مثبت است.

سومین برنامه پنجساله توسعه گام بلندهمتانه‌ای به سوی جلو را معرفی می‌کند. در این برنامه، ترتیباتی واقع‌بینانه برای آزادسازی متوازن اقتصاد کشور طراحی شده است. هدفی که در نظر گرفته شده، رسیدن به ۶ درصد رشد سالانه از میانگین ۲/۵ درصد آن در سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۷ است. این مقدار رشد پیش‌بینی شده سالانه قاعدتاً فرصت‌های اشتغال بیشتری را برای نیروی کار فزاینده ایران ایجاد خواهد کرد و ارتقای سطح زندگی را یاری خواهد داد. هدف مورد پیش‌بینی برنامه سوم تقویت رشد از طریق خصوصی‌سازی، آزادسازی و تقویت ثبات با تشویق تنوع اقتصادی است. سیاست‌های اقتصادی کلان در این برنامه متوجه هدف تحکیم مالی برای کاستن از تورم، گسترده‌تر کردن پایه مالیاتی (شامل به کارگیری VAT) و ایجاد وحدت نرخ‌های ارز در سطحی هستند که به وسیله بازار تعیین می‌شود. کنترل‌های ارزی بیش از پیش با سختگیری کمتری همراه خواهند شد. همچنین، در برنامه تدابیری پیش‌بینی شده‌اند تا انحرافات قیمت که از بارانه‌های دولتی سرچشمه می‌گیرند نیز رو به افول بگذارند. اینها اهداف بلندنگرانه و پردامنه‌ای هستند و آنچه اکنون اهمیت کلیدی دارد، این است که به اجرایشان در آورند.

در طول دهه گذشته، خصوصاً پس از انتخاب رئیس جمهور خاتمی در ۱۹۹۷ و با شتاب گرفتن روند آزادسازی، فضا برای سرمایه‌گذاری خارجی در ایران به نحو استثنایی بهبود یافته است. پیشرفت در خصوصی‌سازی، به ویژه در صنعت هیدروکربن در این مدت عملاً نتایج قابل مشاهده‌ای را به بار آورده است. به موجب برنامه‌های موجود، تجدید ساختار و خصوصی‌سازی بالغ بر ۵۰۰ بنگاه و کارخانه دولتی ظرف پنج سال آینده، همراه با تجارتی کردن - یا دادن خود

ریاستش، مدتی تصدی وزارت امور اقتصاد و دارایی را برعهده داشت و چندی هم در سمت معاونت رئیس جمهور در امور اقتصادی انجام وظیفه کرد. ولی آنچه بلافاصله بر من اثر گذاشت، مشاهده رویکرد آرام و همواره عقلایی او و قابلیت اتکا و بحری بود که در کار خود نشان می‌داد. او در عبور دادن کشورش از یک دوره دشوار و محقق کردن چشم‌انداز نوید بخش‌تری که ایران امروز در مقابل خود دارد، نقش مهمی را ایفا کرده است. از زمان نخستین دیدارمان، من از فرصت‌هایی که نصیب شد تا در یک سلسله از نشست‌های بین‌المللی باز هم رئیس بانک مرکزی ایران را ببینم، بهره‌های فراوان برده‌ام و اینک می‌گویم: محسن، بسی خوشحالم که صبح امروز توانستم که اینجا، در لندن، به کسانی بپیوندم که در استقبال از شما شرکت داشته‌اند و به شنیدن سخنانی که قرار است در اینجا برای ما بگوئی، بی‌اندازه مشتاق و نسبت بدان دلبسته بوده‌ام.

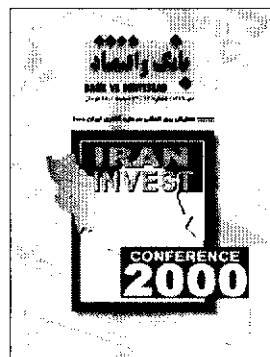
اینک فرصتی است که شاید من نیز بتوانم نکاتی چند از ملاحظات خاص خود را از نظرگاهی که به خودم اختصاص دارد، و خواه و ناخواه فاصله و تفاوتی در آنها هست، به آنچه در اینجا گفته شده، اضافه کنم.

بخش اعظم دو سه ساله گذشته، محیط خارجی که ایران را احاطه کرده، دوره دشواری بوده است. کند شدن رشد اقتصادی جهان در پی بحران مالی بین‌المللی و به تبع آن، سقوط قیمت نفت به سطح نازلی که نمی‌توانست قابل پایداری و تحمل باشد، وضعیاتی مالی همه کشورهای عمده صادرکننده نفت را به میزان قابل ملاحظه‌ای تضعیف کرد. ایران نیز از این امر مستثنا نبود. حساب جاری کشور از مازادی معادل ۲/۲ درصد درآمد ناخالص داخلی در سال مالی ۱۹۹۷/۹۸، تبدیل به یک کسری بالغ بر ۲ درصد شد. بدین ترتیب، کسری مالی نیز رو به وخامت نهاد و به معادل ۶/۷ درصد تولید ناخالص داخلی رسید.

اما روشی که ایران در برابر خرابی شرایط اقتصادی در پیش گرفت، یک پاسخگویی مثبت بود. مقامات مسوول شروع به صورت‌بندی راهبرد اصلاحی میان مدتی کردند که اکنون جزئیات آن دقیقاً در سومین برنامه توسعه پنجساله انعکاس یافته است. از آن زمان تاکنون، آمیزه‌ای از مدیریت خردمندانه اقتصادی در داخل کشور از یک سو، و ادامه توسعه اقتصادی در ممالک صنعتی و بالا رفتن قیمت نفت از دیگر سو، چشم‌اندازهای اقتصادی در ایران را به طور قابل توجهی بهبود بخشیده است.

صندوق بین‌المللی پول رشد تولید ناخالص داخلی در ایران برای سال مالی ۲۰۰۰/۰۱ را ۳/۴ درصد پیش‌بینی کرده است. حساب خارجی کشور با مازادی معادل ۴/۷ درصد تولید ناخالص داخلی در ۱۹۹۹/۲۰۰۰ است. استحکام یافته و وضع بودجه که دچار کسری بود، در

○ روشی که ایران در برابر خرابی شرایط اقتصادی در پیش گرفت، یک پاسخگویی مثبت بود.



مختاری» - به سیستم بانکی دولتی، پیش‌بینی شده‌اند. بازرگانی و سرمایه‌گذاری خارجی، با بسط مناطق آزاد تجاری ایران در حال حاضر مورد تشویق قرار دارند. به علاوه، انتظار می‌رود که به زودی قانون جدیدی برای ساده و شفاف‌کردن قانون موجود تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی به تصویب برسد. همه اینها به روشنی گام‌های مثبتی را تشکیل می‌دهند.

ایران البته دومین تولیدکننده بزرگ نفت در اوپک است و دومین ذخایر بزرگ گاز را در جهان دارد. این کشور از مزایای افزایش اخیر قیمت نفت بهره برده و در ترویج و تحکیم ثبات در بازار نفت نقش مثبتی را ایفا می‌کند. رئیس جمهور خاتمی چندی پیش توجه داد که شاید لازم باشد که اوپک متناسب با افزایش جهانی تقاضای نفت، تولید خود را به منظور تثبیت قیمت‌ها بالا ببرد.

دولت ایران برای تشویق سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت گام‌های مثبتی را برداشته است. به عنوان مثال، مقامات ایرانی مشارکت خارجیان در قراردادهای منظور توسعه حوزه‌های نفتی را تشویق کرده و ضمناً با یک کنسرسیوم مرکب از نه مؤسسه بین‌المللی نفت و گاز موافقتنامه‌ای را امضا کرده‌اند تا ظرفیت بالقوه ایران به عنوان یک صادرکننده گاز را بررسی کنند.

به علاوه، دولت فعالانه درصدد است تا راهی را بیابد که اقتصاد کشور نوسانات آینده قیمت نفت را با حرکات هموار و عاری از تکان‌های مختل‌کننده پشت سر بگذارد. ایجاد یک صندوق تثبیت نفتی که تضمین کند تا ترازنامه دولت در مواقع مساعد بودن نوسانات قیمت نفت تقویت شود، کمک خواهد کرد تا کشور در مواجهه با آن نوع مسایل مربوط به بازپرداخت قروض که در محیط بین‌المللی دشوار سال‌های ۹۸-۹۷ مورد ابتلای بسیاری از اقتصادهای جدیداً بازاری شونده بودند، به دردمس نرفتند. ایران ضمناً توانسته در طول آن دوره، سابقه‌ای عالی در بازپرداخت قروض بر جای بگذارد. اعمال سیاست‌های محتاطانه مدیریت بر قروض لزوماً باید کمک کنند تا این سابقه و تداوم پیشرفت آن در آینده حفظ شود. انتظار می‌رود که کل قروض خارجی ایران امسال به حدود ۱۰ درصد ارزش تولید ناخالص داخلی تنزل یابد و قروض میان‌مدت تقریباً به فقط ۴۰ درصد ذخایر برسند. این بخش از قروض در ۲۰۰۰/۱۹۹۹ رقمی نزدیک به ۶۵ درصد از ذخایر را در برمی‌گرفتند. موقعیت خارجی نیرومند کشور، بانک جهانی را تشویق کرد تا پرداخت حدود ۲۳۰ میلیون دلار وام به ایران در سال جاری را تصویب کند. نکته مهم این است که دادن اینگونه وام‌ها ایران را در وضع خوبی قرار خواهد داد تا به جذب سرمایه خصوصی خارجی که اهمیت حساسی برای دورنمای رشد دراز مدت کشور دارد، توفیق یابد.

بحران‌های مالی بین‌المللی ۹۸-۱۹۹۷ وسیعاً معلول

آسیب‌پذیری‌هایی بودند که در درون نظام‌های مالی ممالک بحران زده ریشه داشتند. در دنباله آن بحران‌ها، جامعه نهاد‌های رسمی تاکنون کارش این بوده که از طریق اعطای کمک‌های فنی به یاری بخش‌های مالی ممالکی بشتابد که به تازگی راه پیوستن به اقتصاد بازاری را در پیش گرفته‌اند. این کار، چنان که گفته شد، با دادن کمک مالی همراه با بهبود اقدامات نظارتی صورت می‌گیرد. این، یکی از عرصه‌های کامیابی قابل توجه در بازرگری و تجدید طراحی معماری مالی بین‌المللی بوده است.

یکی از گام‌های راهگشا که در این زمینه برداشته شده، ابتکار مشترکی از سوی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی تحت عنوان "برنامه‌های ارزیابی بخش مالی" (FSAP - Financial Sector Assessment Programs) است. فرایند FSAP با این مقصود طراحی شده که قوت‌ها وضعف‌های نظامات مالی را از نقطه آغاز بهترین دیدگاه عملی، شناسایی و ارزیابی کند، و از جمله: ساختار و سلامت نهادهای مالی را به ارزیابی درآورد، ریسک‌های سیستمی (مربوط سیستم مالی) را در نظام‌های پرداختی (بازپرداخت قروض) بازرگری نماید، به معاینه چارچوب و نظام قانونی نظارت عالی دولت و مقررات و نظارت احتیاطی در این رابطه بپردازد، و ترتیبات نهادینه برای مدیریت بر بحران را که ایجاد ترتیبات ایمنی (Safety Nets) از آن جمله هستند نیز ارزیابی کند. ایران به اصلاح این جنبه‌های زیر ساخت مالی اعتنا دارد و از صورتبندی و اجرای برنامه اصلاحی مرتبط با آنها غافل نمانده و به تعهد سازنده‌ای که در قبال IFI آنها بر عهده گرفته، پایبند است. من، به ویژه خوشحالم که بانک مرکزی انگلستان همراه با صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و تحت رهبری آنها، در یک تیم همیاری فنی برای تجدید ساختار بخش مالی در ایران در سال آینده مشارکت خواهد داشت. مأموریت آن تیم ضمناً با ایجاد چارچوب‌های نظارتی و مقرراتی برای بانک‌های ایران ارتباط دارد.

یکی دیگر از عناصر کلیدی در مجاهدات جهانی برای تحکیم معماری بنای مالی بین‌المللی، ایجاد و اجرای طیفی از استانداردها یا کدهای حسن رویه بوده است. هدف این نیست که کدهای مورد اشاره، وسیله‌ای برای تحمیل و مقرر کردن قواعد انعطاف ناپذیر بین‌المللی باشند، بلکه منظور از آنها این است که بهترین رویه‌ها را ترویج کنند و از شناخت این نکته غفلت نشود که نظامات مالی بحتل از کشوری به کشور دیگر و از زمانی تا زمان دیگر دستخوش تفاوتند. صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی که در وضع کردن مجموعه‌های استانداردها همکار یکدیگرند، اقتصادهای ممالک مختلف را یاری داده‌اند تا نظارت خود بر برخی از این رویه‌ها را مورد ارزیابی قرار دهند.

○ بحران‌های مالی بین‌المللی ۹۸-۱۹۹۷ وسیعاً معلول آسیب‌پذیری‌هایی بودند که در درون نظام‌های مالی ممالک بحران زده ریشه داشتند.

○ اهداف برنامه سوم توسعه بلندنگرانه و پر دامنه است و آنچه اهمیت کلیدی دارد، تحقق این اهداف است.



و همه گام‌هایی عقلایی و قابل توصیه‌اند. و من خبر دارم که بانک مرکزی فعالانه در فکر امکانات دیگری نیز هست. این تدابیر وقتی دست به دست هم دهند، موجب

پدید آمدن چنان نوعی از نظام مالی در ایران خواهند شد که کارایی بیشتری خواهد داشت، زلال‌تر و شفاف‌تر خواهد بود، و لذا برای وارد شوندگان آتی و بالقوه این بازار، جذابیت و افرتری به حساب خواهد آمد.

آقای رییس، پیشرفت اقتصادی در هر کشور مفروض، تنها مسائلهای مربوط به منافع ملی آن کشور نیست. در جهان امروز که از جهات اقتصادی و مالی به طور فزاینده حالت ادغام شدگی دارد، پیشرفت اقتصادی هر کشور امری است که با منافع جمعی و بین‌المللی نیز مرتبط است. این گفته - چه در سطح اقتصاد کلان و چه در زمینه اقتصاد خرد که سطح کسب و کار و مؤسسات فردی است - صدق می‌کند. بدین سبب است که فکر می‌کنم اهمیت دارد که ما نیروهایی را که برای اصلاحات و آزادسازی می‌کوشند، از راه التزام و تعهد سازنده نسبت به آنها تشویق کنیم. ایران از طریق سومین برنامه توسعه پنجساله‌اش دست به یک برنامه اصلاحات و آزادسازی زده که در عین حال، به نحو واقع بینانه‌ای سنجیده است و اینک برای جلو بردن آن برنامه دارد از شرایط مساعدتر در اقتصاد جهانی بهره برداری می‌کند.

من برای شما، «رییس نوربخش» و برای مقامات ایرانی آرزو می‌کنم که تمام کامیابی‌های ممکن را در محقق کردن اهداف خویش، به نفع مردم ایران و به نفع همه ما به دست آورید.

سخنرانی دکتر محسن نوربخش، رییس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

بسیار مایه افتخار و مباهات من است که در این سمینار درباره دستاوردهای اقتصاد ایران ظرف چند ساله گذشته سخن بگویم و به طور خلاصه به شرح و بسط چارچوبی بپردازم که بخش نظام بانکداری در ایران در محدوده آن عمل می‌کند. در آغاز، مایلیم فرصت را مغتنم شمرده و صمیمانه به جناب آقای ادی جورج، رییس کل محترم و میهمانان ارجمند که لطف فرمودند و بخشی از وقت گرانبهای خود را برای شرکت در این سمینار اختصاص دادند، خوشامد بگویم. همچنین، مایلیم مراتب امتنان عمیق خویش را به موسسه تجارت و صنعت (DTI) و تجارت بین‌الملل بریتانیا (BTI) ابراز کنم که ظرف چند ماه گذشته سخت مشغول تدارک سمینارهای متوالی در ایران بودند.

در اینجا می‌خواهم درباره وضعیت اقتصاد ایران در گذشته و حال و نیز چشم‌انداز و دورنمای آن در آینده به

ایران در حال حاضر به سوی اتخاذ بهترین رویه‌های استاندارد که قابلیت پذیرش بین‌المللی داشته باشند، در تعدادی از عرصه‌ها تلاش می‌کند. بانک مرکزی ایران دست‌اندر کار ایجاد چارچوب جدیدی برای حسابداری بانکی است که معرف حرکت در جهت استانداردهای بین‌المللی حسابداری است و در همان حال، به ویژگی‌های مالی اسلامی نیز توجه دارد. مقامات ایرانی ضمناً مشغول ایجاد یک برنامه عملی برای اجرای اصلاحات نظارتی هستند. این تحولات باید برای کسانی که قصد سرمایه‌گذاری در ایران را دارند، خبرهای خوبی باشند. تحولات مذکور همچنین به تجسم این امر کمک می‌کنند که بهترین استانداردهای بین‌المللی در رابطه با رویه قادرند آن اندازه قابلیت انعطاف داشته باشند که برای مراعات شرایط خاص هر کشور مفروض کفایت کنند.

حرکت به طرف محیطی که بیشتر سمت و سوی بازاری دارد، چالش‌های تازه‌ای را به همراه می‌آورد. به عنوان مثال، آزادسازی از میان برنده کنترل‌های نرخ ارز و واگذار کردن تعیین این نرخ به نیروهای بازار، ریسک‌ها و فرصت‌ها - هر دو را - به همراه دارد. یک رویکرد متوالی در قبال آزادسازی حساب سرمایه به تعدیل و تخفیف این ریسک‌ها کمک می‌کند و این راهی است که ایران دنبال کرده است. ولی ذکر این نکته بدان معنا نیست که اصلاحات در این کشور به حال خود رها شده است.

از نیمه ۱۹۹۹ بانک مرکزی ایران گام‌های مهمی را در راه بهبود و ساده کردن بازار ارز خارجی برداشته که یکی از آنها این بوده که اجازه داده است تا نرخ ارز تا سطوح پایاپای بازاری مستهلک شود. در مارس ۲۰۰۰، التزام صادرکنندگان به اینکه ارزهای وصولی از محل صدور کالاهای غیرنفتی را به بانک مرکزی تسلیم کنند، لغو شد. حالا هم در نظر دارند که یک بازار ارز مستقیم بین بانکی به وجود آورند و تا مارس ۲۰۰۱ الزام پیش سپرده وارداتی را نیز حذف نمایند. اینها گام‌های تازه دیگری خواهند بود که قرار گرفتن کشور در معرض رقابت بین‌المللی را خواهند افزود و به نوبه خود خواهند توانست کارآتر شدن کشور در زمینه تولید را نیز افزایش دهند.

وحدت نرخ ارز و آزادسازی بخشی از تجارت و حذف کنترل‌های ارزی سبب خواهند شد که تقاضای اثرگذار شدن سیاست پولی نیز بیشتر شود. برای مثال، انبساط پولی امری است که می‌تواند از کاهش مرحله به مرحله نیازمندی‌های ذخیره‌ای بانک‌ها ناشی شود. برای بانک مرکزی مهم خواهد بود که ابزارهای پولی کارآمدی را پدید آورد تا تأثیر پولی این اصلاحات را به اصطلاح «استرلیزه» کند و حمایت بانک مرکزی از رویارویی با تورم را نیز از دست نهد. صدور سی دی (CD)ها (انتقال مانده حساب)، همراه با آزادسازی تخصیص اعتبار، همه

○ بانک مرکزی انگلستان، همراه با صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی - و تحت رهبری آنها - در یک تیم همیاری فنی برای تجدید ساختار بخش مالی در ایران مشارکت خواهد داشت و مأموریت این تیم با ایجاد چارچوب‌های نظارتی و مقرراتی برای بانک‌های ایران نیز ارتباط دارد.